



۲۰۲۰/۱۵/۲

عارف عباسی

خروج اردوی مضمحل شوروی از افغانستان ۲۶ دلو ۱۳۶۷ هجری شمسی

دردا و حسرتا! غرق دریای حیرتم و برایم سؤال برانگیز و اسرار آمیز است که چرا ما در برابر پرافتخارترین روز تاریخ میهن عزیز خود بی پروا، بی اعتناء، بی تفاوت و سطحی نگرییم. روزها و شبها در تفکریم که دلیل اصلی را بیابیم که آیا ما در حق شوروی زمان مهربان، با مروت گردیده و خون دو ملیون قهرمان سر سپرده آزادی میهن خود را بطور ناحق، نا مشروع سخاوتمندانه به سوشیال امپریالیزم شوروی و چاکران و بردگانش می بخشیم. یا در حق آنهایی که چنین افتخار را به ما آفریدند جفا بی بزرگی نی بلکه خیانت می نماییم.

چون شوروی زمان قامت بلند، فرزندان آزاده منش، باغرور و با شهامت و حریت پرست این وطن را با استفاده از انواع قدرت نظامی و صدها تزویر، مکر و حیل به زانو در آورده نتوانسته و زنجیر بردگی استعمارش را در گردن این ملت آویخته نتوانست.

ولی ما را در طلسم جادوی خود چنین مسحور نگهداشته که از استعمار علنی و تجاوز برهنه آن با تمام جنایات علنی چنان یک ابر قدرت سفاکی سطحی تیر شده و تنها انگلیس را استعمار گر و متجاوز دانسته (که البته بود)، استرداد استقلال خود را از انگلیس تجلیل می کنیم، که البته از بزرگترین افتخارات افغانستان در آن شرائط و عصر و زمان بوده است. ولی از استقلال دوم که شکستن زنجیر استعمار و اسارت روس است خوشیم چرا؟ هموطن عزیزم، خواهر و برادر محترم!

روز ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ هجری شمسی درخشانترین و پر افتخارترین روز در تاریخ وطن من و شما است در این روز اردوی شکست ناپذیر سرخ با شرم آورترین شکست غیر قابل تصورش توسط فرزندان کوه پایه های هندو کش، بابا، سلیمان سپین غر، و سیاه کوه سرفاکنده از پلی که برای تسلط بر این دیار ساخته بودند عبور و از افغانستان خارج می شوند. به نام خدا؛ آیا افتخار بالاتر از این، با تمام تفاوت های غیر قابل باور، برای یک ملت در جهان میسر است؟!!

ملت افغانستان کجا و نیروی قهار و هیبت آتش اردوی سرخ کجا، تفنگ چقمقی و دهن پر و یازده تیره قرن هژده کجا، سیخ تنور و کدال و تبر کجا، کلاشکوف و درشکه ماشیندار ثقیل، هاوان و راکت انداز، تانک های ثقیل و زره پوش، توپ میل دراز دور زن و راکت های سام کجا، عصری ترین طیارات بم افکن و هلیکوپتر های

ماشیندار سوار و توپ دار کجا؟! چیغ، فغان، ناله، گریه و فریاد زن و طفل، پیر مرد و پیر زن بی دفاع افغان کجا و وحشت و بربریت اعضای خائن و وطنبروش حزب کمونست افغان و بادارانش کجا؟! در حالی که شوروی با هیولای وحشت ناک ماشین جنگی و افراد اردوی سرخ مستقر در داخل وطن آهنگ ستیز با بی غرض ترین، صلح دوست ترین، خوش قلب ترین و خوش باور ترین مخلوق روی زمین کرد؛ ما با اعلامیه های مشترک که از حسن همجواری، زیست باهمی با نظام های متفاوت، احترام متقابل و به رسمیت شناختن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی هم دیگر می شنیدیم و خاطر جمع بودیم که همسایه خوبی داریم و متخصصین شان با مردم ما به درخت توت بلا شده توت می خوردند. اما نمی دانستیم که در ظاهر این دوستی در خفاء اژدهایی در آستین ما پرورش می دهند و آنها را در واقعیت آرزوی اشغال این دیار از قرن ها بدین سو اندر خیال بوده است.

مشاهده گردید که شوروی سابق با حيله و نیرنگ و اغواء پیر مردی ملی گراء و وطن دوست و سوء استفاده از نقطه ضعف او با کسب اعتماد بی چون و چرای وی و تقرر گماشته زیرک و بازی گر ماهری در کنارش، شرایط توسعه، تقویت و تسلط حزب مزدور خود را بر تمام شئون و امور مملکت مساعد گردانیده و نفوذ علنی اش را در کلیه ساحات زندگی پهن نمود؛ تا بلاخره با کودتای خونباری رژیم چاکر خود را به اریکه قدرت تکیه دادند. ولی با مبارزات ملی صادقانه؛ چون نظام مزدور پایه مردمی نداشته و از حمایت اکثریت هیچ قشری برخوردار نبود،

راه عقلانی جلب و جذب مردم پیشه نکرده چون خائن همیشه خائف است، همه آنان از سایه خود می هراسیدند؛ درحالیکه بزودی وعده های پوچ را کنار گذاشتند و کاملاً به بقای قدرت خود ارجحیت بخشیدند، در عوض چنان به نام ضد انقلابی تصفیه حساب نمودند که شیوه های وحشیانه ظلم شان از یک افغان واقعی هرگز تصور نمی رفت. این ددمنشان بزودی هزارانی را توسط توپ خانه و طیارات کشتند و هزاران دیگر را توسط وحشیانه ترین شیوه های شکنجه به هلاکت رسانده و ده ها هزار دیگر را در محابس انداختند.

خلاصه این وطن فروشان سیه رو برای استمرار قدرت خود و وادار ساختن ملت شریف افغان برای سجده به درگاه کرملن، آن چه در کتاب تجارب شوروی نوشته شده بود با کمک و استشاره متخصصین آن بکار بستند. ولی این ملت دراک و هوشیار دیگر ازبکستان، تاجکستان، قرغزستان، ترکمنستان و آذربایجان و غیره نبوده و شرایط دنیا هم تغییر کرده بود، بنابراین از نخستین روز های حکمروایی این حزب چهره حقیقی و ماهیت و اهداف آن را خوب فهمیده نطفه مخالفت و مقاومت ملی در هر گوشه و کنار در بین همه اقشار جامعه آستن شد و زنجیر مقاومت مردم با گذشت هر ماهی، دور گلوی رژیم تنگ تر می شد؛ همان بود که با مقاومت و جهاد مردم افغانستان قوای متجاوز اتحاد شوروی وقت که نفس های واپسین بر می کشید و متلاشی شدن آن قطعی بود، با امکانات زوال از درون حزب روبرو گشت.

کرملن برای جلوگیری از این زوال و فروپاشی زمینه را برای تحقق آرمان های دیرینه اش مساعد دیده، سردمداران یکه تاز و متکبر اتحاد جماهیر شوروی قیام ملت افغانستان را اهانت بزرگ به عظمت و حیثیت محور کشور شورا ها دانسته آن را برای همبستگی زحمت کشان جهان و راه و مکتب لینن غیر قابل تحمل تلقی

نموده به اردوی شکست ناپذیر سرخ امر سرکوبی افغان ها را دادند و تاریخ این مملکت و گذشته و تجارب دیگران را در برخورد با این ملت مبارز و وطن دوست به مسخره گرفتند.

قوای عظیم شوروی چون قیام های چکوسلواکی، هنگری و پولند را سرکوب کرده بودند، به اساس محاسبه اراکین نظامی آن مملکت در افغانستان در حد اکثر ۶ ماه مقاومت مردم یک طرفه شده و رژیم گماشته شده به آرامش خاطر حلقه بردگی را بر گردن ملت افغان خواهد آویخت و شوروی یک قدم دیگر به طرح های قبلی خود یعنی هم به آب های گرم و هم به منابع مواد سوخت نزدیک می گردد و سیاره دیگر دور مدار حاکمیت شوروی به چرخش می آید.

حتی دنیا کار افغانستان را ختم دانسته و از دیر زمان این کشور را در ساحة فضای نفوذ جغرافیایی و سیاسی شوروی می دانستند. ولی بزودی مشاهده شد که واقعیت های عینی افغانستان، سر سپردگی مردم آزادی خواه آن و ساختار اراضی، کوه پایه ها و دره های محافظ این راد مردان با شهامت، محاسبه شوروی که زمین زیر پای اردوی سرخ می لرزید غلط از آب در آمد؛ همه اقشار ملت به نحوی با نهضت مقاومت پیوسته و با گذشت هر ماه و سالی پای شوروی و رژیم دست نشانده اش در گرداب بلعنده نیروی مقاومت مردم و پشتی بانی سیاسی، نظامی و اقتصادی بیشتر و بیشتر فرو می رفت.

بعضی ها این مقاومت ده ساله مبارزین سر به کف افغان را جنگ امریکا می دانند در حالی که بینی یک امریکایی در این جنگ خون نه شده، این پیروزی محصول خون ۱۸۰۰۰۰۰ (احصائیه سازمان حقوق بشر ملل متحد) افغان ویرانی سرتاسری و طنش و مهاجرت ۷ میلیون باشنده اش بود.

ملت افغانستان با پرداخت قیمت بس گران تلفات جانی و ویرانی وطن و فرار مغز های متفکر اهل فن و دانش خود اتحاد شوروی را با همه ابهت و قدرت و عظمت آن به زانو در آورده به افلاس کشانید و تأثیرات همه جانبه ای پیروزی افغانستان و شکست شوروی در جنو پالتکس دنیا و درهم شکستن ساختار دو قطب رقابتی جنگ سرد و آزادی کشور های شرق اروپا هریک بحث جامع و علیحده ای است که دگران را فیض بخشید ولی ما را روانه بدبختی و فلاکت نمود.

شوروی را در دل و دماغ هراس بزرگی از خروجش بود که مبادا به سرنوشت انگلیس ها در سال ۱۸۴۱- م مبتلا شود، گرچه خروجش از طریق هوا میسر بود ولی بیرون شدن از راه زمین را یک بینی خمیری پنداشته به دامن امریکا دست انداخت و مدد خواست و خود هم ره سازش و وعده های سر خرمن با یک شورای تنظیمی داد و امریکا با پرداخت مبلغ گزافی به مشتری قبلی اش مصونیت خروج شوروی را از افغانستان فراهم ساخت. هموطن بزرگوارم!

روز ۲۶ دلو یعنی خروج اردوی ورشکسته و سر افکنده شوروی از خاک مقدس ما، مجزا از وقایع قبلی و حوادث متعاقب آن به حیث پر افتخار ترین روز تاریخ این میهن است که نباید اعمال ننگین و ضد ملی فرو مایگان مقرر در پشاور و خود فروختگان قدرت طلب سست عنصر و ثروت اندوز، این افتخار بزرگ ملت افغان را تحت شعاع خود قرار دهد. خیانت ها جنایات و وحشت و بربریت تنظیم های ساخت پاکستان و ایران نباید دست شوی جنایات پرچم و خلق و بدارش گردد فرزندان غیور و با شهامت افغانستان به قیمت خون خود این

افتخار را به نصیب ما ساختند ولی حوادث ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ و تا امروز نباید مجاهد حقیقی و جهاد افغانستان را بد نام سازد.

ما مسؤولیت داریم که واقعیت این رستاخیز ملی را به نسل های آینده فهمانده نباید این افتخار را در گورستان دسته جمعی تاریخ دفن کنیم و در عوض سردمداران دور تنظیمی ها را که حیثیت جانیان، ناقضین حق بشر، غارت گران و قاتلین در تاریخ واقعیت های افغانستان را دارند منحیث مجاهدین ملی ثبت کنیم. بدون شک همه ملت افغانستان از این افتخار با تمام شکوه، جلال و عظمت باید تجلیل نماید نه از (نه از هفته شهید) و اولیاء امور به حرمت و پاس شهدای گم نام این خاک مقدس، آزادی و قهرمانان واقعی و اصیل این روز را استقلال دوم افغانستان اعلام نموده در جنتری رسمی رخصتی عمومی برگزار شده محافل بس پر شکوه در حلقات فرهنگی دائر گردد.

البته بعد از خروج قوای سرخ در کشور بازی های گوناگون صورت گرفته و ساخت و بافت های غیر قابل باور عملی شد. انشعاب بزرگی در حزب بر سر اقتدار رونما گردیده ائتلافات خلاف اصول مکتب شان بعمل آمد و در برابر آخرین گماشته زیرک و ماهر شوروی ترمرد صورت گرفت.

لطفاً ۸ ثور را به هیچ صورت به روز ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ هجری شمسی ارتباط ندهید و نگذارید که وحشت، بربریت، جنایات، پیوند های غیر ملی، کردار و اعمال ضد مردمی روسای تنظیمیه بر عظمت و درخشش این روز پر افتخار سایه بیفکند.

